خرید دین در نظام بانکداری اسلامی*

□ سیدمصطفی محقق داماد[۱]
□ جمشید شیری[۲]
□ فروغ قاسمی[۳]

چکیده

خرید دین که امروزه یکی از منابع تأمین اعتبار در حقوق بانکی به شمار می‌رود، بعد از ورود در ادبیات قانونی نظام بانکی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. بر پایهٔ عقد خرید دینْ، دین بدهکار به بیشتر یا کمتر از میزان اسمی از طلبکار توسط مدیون یا ثالث خریداری می‌شود. در ادبیات فقهی شیعه، اختلاف عمیقی در مورد وضعیت حقوقی آن وجود دارد که می‌توان گفت نظر مشهور که مأخذ و منبع قانون‌گذار هم بوده است، صحت عقد خرید دین در اکثر موارد و اقسام آن است. عقد خرید دین را در عملیات بانکی بدون ربا در موارد زیادی می‌توان به کار برد: قراردادهای اعتباری[۴]

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۴ ـ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۱.

۱. استاد دانشگاه شهید بهشتی (mdamad@me.com).
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسندهٔ مسئول) (shirij67@yahoo.com).
۳. کارشناس ارشد حقوق خصوصی (forooghghasemi@yahoo.com).

4. Credit contracts.

Archive of SID
www.SID.ir

که امروزه یکی از عمده‌ترین فعالیت‌های بانکی محسوب می‌شود و در قالب خرید دین به طور کامل قابل انعقاد است، کارت‌های بانکی و همچنین سپرده‌ها و وام‌های بانکی است که با استفاده از عقد خرید دین در بانکداری بدون ربا قابل تحقق است، به‌نحوی که هیچ مشکل حقوقی و شرعی بر آن مترتب نباشد. تنزیل اعتبارات اسنادی و اوراق و اسناد تجاری[1] است که یکی از منابع تأمین اعتبار تجار است و در قالب خرید دین قابل تحقق است.

واژگان کلیدی: حقوق بانکی، قراردادهای اعتباری، وام بانکی، کارت بانکی، خرید دین.

مقدمه

نهاد حقوقی خرید دین[2] یکی از اعمال حقوقی با سابقهٔ بسیار طولانی در نظام حقوقی اسلام

1. Forfaiting.

۲. Factoring: فاکتورینگ پروسه‌ای مالی است که در آن یک شرکت متخصص، از مشتریان خود بدهی‌های تجاری یا حساب‌های قابل انتقالی ناشی از فروش کالا یا ارائهٔ خدمات را خریداری می‌کند. فاکتورینگ اصطلاحاً به نوعی تأمین مالی گفته می‌شود که به دریافت اعتبار شباهت دارد و در آن، سازمان عامل بازرگانی، بدهی مشتری خود را خریداری می‌نماید و سپس راساً اقدام به وصول وجه مزبور می‌نماید. این عملیات یکی از طرق تجهیز منابع مالی متکی به اسناد براتی کوتاه‌مدت می‌باشد. در این روش، مؤسسهٔ اعتباری یا بانک (به نام فاکتور) صورتحساب تولیدکننده یا بازرگانی را نسبت به مشتریانش تأدیه می‌کند و در مقابل، کلیهٔ اسناد و مطالبات مربوط به مؤسسهٔ مذکور انتقال می‌یابد (Soufani, 2002: 239).

در فاکتورینگ، عامل به عنوان مؤسسات و مراکز مالی، مطالبات تاجر را با کسر مبلغی به عنوان کارمزد و با در نظر گرفتن امکان وصول آن و مؤلفه‌های دیگر خریداری می‌کند. عرضه‌کنندهٔ کالا یا خدمات در این شیوه، قسمت اعظم ثمن خود را با انتقال مطالبات مؤجل خود به فاکتور به دست می‌آورد و می‌تواند علاوه بر رفع کمبود نقدینگی، از خدمات دیگر این نهاد از جمله وصول قیمت خرید، مدیریت حساب‌های فروش و مشاوره راجع به مشتریان نیز بهره‌مند گردد (ViouricaZurcu, 2010: 8).

این نهاد حقوقی، نهادی کاملاً مطابق با خرید دین در حقوق اسلامی است. البته باید اذعان نمود که خرید دینِ مطروحه در حقوق اسلامی، اعم از نهاد مزبور است. سرانجام پس از تلاش‌های انجمن بین‌المللی یکسان‌سازی حقوق خصوصی، موسوم به «یونیدروا»، پیش‌نویس کنفرانس متحدالشکل در خصوص فاکتورینگ بین‌المللی (Unidroit, 1988) در تاریخ ۲۸ می ۱۹۸۸، از تصویب یک کنفرانس دیپلماتیک در اوتاوای کانادا گذرانده شد.

مادهٔ ۱ کنوانسیون فاکتورینگ در قسمت دوم، فاکتورینگ را یک قرارداد معرفی کرده و برای آن دو خصوصیت را در نظر گرفته است: الف) انتقال مطالبات قابل وصول ناشی از عملیات تجاری. لذا این قرارداد، فروش کالا به صورت موقت یا برای استفادهٔ خانگی و شخصی را در بر نمی‌گیرد. ب) ... (Unidroit, 1988: Ar. 1).

Archive of SID
www.SID.ir

است و از دیرباز مورد استفادهٔ متعاملین قرار می‌گرفته است تا آنجا که برخی ادعا نموده‌اند که این نهاد حقوقی، یکی از نهادهای امضایی شرع مقدس است و در زمان جاهلیت در عربستان هم مورد استفاده قرار می‌گرفته است (ثابت، ۱۳۸۱: ش۱۴۰/۳۱). امروزه با توجه به پیشرفت‌های طرق اقتصادی در سطح کلان، تجار و شرکت‌های تجاری ترجیح می‌دهند که تمام معاملات خود را به صورت غیر نقدی و با اسناد و اوراق تجاری مدت‌دار منعقد سازند و به لحاظ همین موضوع است که مفهوم دین و بدهی، موضوعی اساسی در عرف معاملاتی تجار و به خصوص عملیات بانکی در این زمینه به شمار می‌رود. در بانکداری اسلامی به استناد قوانین مصوب و قواعد مسلم شرع، هر گونه معاملهٔ بانکی باید عاری از ربا باشد. متأسفانه بسیاری از عملیات بانکی با ربا آمیخته است که در نظام حقوقی بانکی، تلاش‌های فراوانی برای حل این معضل شده است؛ برخی ماهیت و وضعیت حقوقی ربا و بهره را از هم متمایز نموده‌اند (کاشانی، ۱۳۸۴: ش۱۲/۴۲) و برخی مشارکت و مضاربه و فروش‌های اقساطی و... را پیشنهاد می‌کنند (بردبار، ۱۳۸۳: ۱۱۲). این توجیهات نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه مشکلاتی از قبیل عدم قصد واقعی و در نتیجه، صوری بودن عقد را به عملیات بانکی اضافه می‌نماید؛ بدین توضیح که عقود و قالب‌های منظور برای این عملیات هیچ‌گاه با قصد واقعی صورت نمی‌گیرد و یا حداقل از آن عقود و قالب‌ها برای رسیدن به مقصود واقعی، یعنی گرفتن و یا دادن ربا استفاده می‌شود و همین موضوع باعث عدم قصد واقعی طرفین برای انعقاد عقد و به‌تبع آن بطلان عملیات بانکی می‌شود. با تدقیق در خرید دین و کاربردهای آن در حوزهٔ بانکداری بدون ربا می‌توان تدبیری اندیشید که مشکل ربا در عملیات بانکی حل شود.

از این رو، در این مقاله به دو سؤال اساسی پاسخ داده می‌شود:

۱. وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه و به تبع آن در حقوق ایران چگونه است؟

۲. چطور می‌توان عملیات بانکی بدون ربا (قراردادهای تجهیز منابع و تخصیص منابع) را بر اساس خرید دین توجیه و استوار کرد؟

ابتدا به بررسی خرید دین به لحاظ مفهوم و ماهیت و وضعیت فقهی و حقوقی آن می‌پردازیم و بعد از ارائهٔ نظرات فقها و روشن شدن وضعیت حقوقی خرید دین در نظام حقوقی ایران به کاربرد عقد خرید دین در معاملات بانکی می‌پردازیم.

Archive of SID

www.SID.ir

۱. مفهوم خرید دین

لازمه تعیین وضعیت حقوقی خرید دین از دیدگاه فقها و حقوق‌دانان و همچنین تطبیق آن در نظام حقوق بانکی، ارائهٔ تعریف و ماهیتی از آن است.

۱ـ۱. تعریف خرید دین

در کتب فقهی متأسفانه تعریفی برای خرید دین ارائه نشده است، ولی با دقت در عنوان آن می‌توان تعریفی جامع از خرید دین ارائه کرد (البته از تعریف قانونی که در دستورالعمل اجرایی خرید دین مصوب شورای پول و اعتبار در تاریخ **۱۳۹۰/۵/۲۵** ارائه شده، نباید غافل شد).

> خرید دین قراردادی است که به موجب آن، دین حالّ یا مؤجل به کمتر یا بیشتر و یا معادل مبلغ اسمی آن به صورت نقدی و یا غیر نقدی از طلبکار، توسط مدیون یا ثالث خریداری می‌شود.

۱ـ۲. ماهیت خرید دین

در مورد ماهیت حقوقی خرید دین در حقوق موضوعهٔ ایران، سه دیدگاه قابل طرح است:

۱ـ۲ـ۱. خرید دین به عنوان عقد بیع

در کتب فقهی که خرید دینْ مأخوذ از آن‌هاست، غالباً با عنوان بیع‌الدین از آن یاد شده و احکام بیع را بر آن بار نموده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۶۰/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۵۷/۲؛ همو، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۱۰؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۶/۲؛ عاملی، ۱۴۱۸: ۳۱۳/۳؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۲۵۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۵/۲؛ قطّان حلی، ۱۴۲۴: ۴۵۵/۱؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۳۸/۵؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۱۹/۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۶۵/۱۵؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۳۵/۹؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۷/۲۴؛ انصاری، ۱۴۱۰: ۳۴/۶؛ غروی نائینی، ۱۳۷۳: ۸۸/۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۹۶/۷).

می‌توان گفت دینی که در عقد خرید دین مدّ نظر ماست با عینی (عین کلّی فی‌الذمّه) که قانون‌گذار در تعریف بیع[1] به آن اشاره کرده است همخوانی و تناسب دارد:

۱. مادهٔ ۳۳۸ ق.م.: «بیع تملیک عین است در مقابل عوض معلوم».

Archive of SID

www.SID.ir

اوّلاً: دین می‌تواند مفهومی همسان با عین کلّی فی‌الذمه داشته باشد و همان طور که هیچ شکی در صحت عقد بیع کلّی فی‌الذمه وجود ندارد در خرید دین هم به عنوان عقد بیع نمی‌توان این شبهه (چون عین بر موضوع خرید دین صدق نمی‌کند، نمی‌توان نام بیع بر آن گذاشت) را مطرح ساخت.

ثانیاً: درست است که برخی از بزرگان فقه ادعای اجماع کرده و نظر مشهور فقها را بر لزوم عین بودن مبیع عنوان کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۰: ۱۱/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲۲) و مسئله آن‌چنان قطعی و مشهور است که بیع به عنوان نقل اعیان شناخته شده، ولی می‌توان گفت که بیع در اغلب مواردْ نقل اعیان است و نه در همهٔ موارد؛ همچنان که در بین عرف و عقلا در جهان کنونی نیز بیع سرقفلی و بیع امتیاز آب، برق و تلفن، امری رایج است، با اینکه در این موارد، فروشنده جز «حق»، چیز دیگری ندارد[1] (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۱۲).

۱ـ۲ـ۲. خرید دین به عنوان قراردادی خصوصی

گروهی مقررات و ضوابط بیع را همسان با خرید دین نمی‌دانند و معتقدند که در بیع فقط عین است که مورد نقل قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۴۱۰: ۱۱/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲۲)، پس باید به دنبال گنجاندن این عقد در قالب قرارداد خصوصی و مادهٔ ۱۰ قانون مدنی باشیم؛ کما اینکه در مورد انتقال برخی از حقوق همانند حق خیار، حق سرقفلی و... می‌توان این گونه نظر داد.

۱ـ۲ـ۳. خرید دین به عنوان عقدی معین

همان طور که برخی حقوق‌دانان به درستی اشاره کرده‌اند، یک عقد می‌تواند در زمانی به طور عقد نامعین باشد و در برهه‌ای از زمان با تصویب قانون و احکام و آثار خاص برای آن به صورت عقدی معین دربیاید (قنواتی، وحدتی و عبدی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۸/۱). خرید دین هم تا قبل از سال ۱۳۸۹ که طرح آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، بیع تلقی می‌شد؛ لیکن با توجه به قانونی که در این مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی

۱. البته نظر مخالف مبنی بر اینکه این نوع از قراردادها در قالب عقد صلح و واگذاری قابل انجام است، می‌تواند قابل دفاع باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

رسید، می‌توان گفت که قانون‌گذار این عمل حقوقی را به عنوان عقدی معین شناخته و شرایط و آثار و احکامی خاص را برای آن در نظر گرفته است. سرانجام به نظر می‌رسد عقد خرید دین از نظر تحلیلی عقد بیع است ولی خود از عقود معین است؛ با این توضیح که برخی عقود به لحاظ ماهیت یکی از اقسام عقد معینی به شمار می‌روند، ولی قانون‌گذار با توجه به اهمیت موضوع، آن را به صورت یک عقد مستقل معین با احکام و آثار خاص خود پیش‌بینی نموده است (برای دیدن مورد مشابه ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۴: ذیل مادهٔ ۳۳۸، حاشیهٔ ۵).

۲. وضعیت حقوقی خرید دین

برای تبیین وضعیت حقوقی خرید دین و استفاده از آن در عملیات بانکداری بدون ربا باید خرید دین را در فقه امامیه و حقوق ایران مطالعه نمود. ابتدا وضعیت فقهی موضوع را تبیین می‌کنیم و سپس به بررسی آن در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم:

۲ـ۱. وضعیت حقوقی خرید دین در فقه امامیه

با مطالعه و تدقیق در فقه امامیه در مورد خرید دین می‌توان کلیهٔ نظراتی را که در این باره وارد شده است، در ذیل پنج گروه جمع‌بندی کرد:

۱. گروهی از فقها خرید دین را به طور مطلق صحیح دانسته و بدون ورود در تقسیم‌بندی‌ها و تفصیلات وارده در موضوع، مطلقاً به جواز بیع دین فتوا داده‌اند (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۲۲: ۵۶۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۳۰: ۴۹۰؛ فیاض، ۱۴۲۶: ۳۵۳؛ فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۶: ۵۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۲۳۵/۲؛ تبریزی، بی‌تا: ۲۳۴/۲)؛ بدین نحو که مبیع معامله را همان بدهی و دینِ مدت‌دار بدهکار می‌دانند و ثمن را همان مبلغ پرداختی توسط مدیون یا ثالث به عنوان خریدار دین قلمداد می‌کنند، به طوری که حتی ماهیت آن را هم بیع می‌پندارند و هیچ تردیدی در مورد تملیک و... به خویش راه نمی‌دهند.

۲. گروهی دیگر با توجه به ثمن در خرید دین به ارائهٔ نظر پرداخته‌اند. بسیاری از فقهای امامیه با توجه به روایاتی از معصومان علیهم‌السلام خرید دین را در صورتی که عنوان

Archive of SID
www.SID.ir

خرید دین به دین بر آن صدق کند، ممنوع و باطل می‌دانند (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۴۹/۱؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۴۲۵/۴) و از جملهٔ آن روایات، روایت زیر است:

«عن أبی عبد الله علیه‌السلام، قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: لا یباع الدین بالدین» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴۷/۱۸)؛ بیع دین به دین، معاملهٔ دین در مقابل ثمنی است که خود دین است.

در میان فقها و حقوق‌دانان مشهور است که نباید در مقابل دین، دین قرار گیرد وگرنه مشمول نهی نبوی قرار گرفته و باطل می‌شود (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۱۷۳/۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۴۹/۱؛ امامی، ۱۳۶۸: ۴۵۵/۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۰۶/۲). در بررسی این نظر باید موردی را که مشمول نهی نبوی است، متمایز، و غیر از آن را حمل بر صحت کرد؛ چراکه این حکم، حکمی استثنایی است که باید در حد نص تفسیر شود.

مشهور است که دین بر هر چیزی که تأجیل آن در عقد واقع شود، اطلاق می‌گردد، پس در نگاه اول حتی اگر ثمن در خرید دین، عین معین، ولی مؤجل باشد، دین بر آن صدق می‌کند و مشمول بیع دین به دین است. ولی باید اذعان داشت که اگر ثمنْ عین معین باشد، حق عینی برای وی ایجاد می‌شود و تعیین اجل برای آن نمی‌تواند آن را به شکل دین درآورد (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۴۹/۱).

باید به این سؤال اساسی پاسخ داد: دینی که در روایات و کلمات فقها از آن بحث شده است چه دینی است؟ به دلایل زیر، دینی که در روایت مورد نهی قرار گرفته است دینی است که قبل از عقد، دین بر آن صدق کند نه اینکه به واسطهٔ همان عقد و اجلی که برای آن در نظر گرفته می‌شود، دین باشد:

الف) لفظ دین در معنای حقیقی آن استعمال شده است. به گفتهٔ اصولیان، استعمال لفظ در معنای موضوع له خودش حقیقت است و استعمال در غیر معنای خودش که با آن مناسبتی دارد، مجاز است و استعمال لفظ در معنای غیر مناسب، غلط است (مظفر، ۱۳۹۰: ۴۰/۱). پس در «لا یباع الدین بالدین»، دینی مورد نهی قرار گرفته است که در حین معامله دین بوده باشد، نه بعد از معامله به صورت دین درآید.

ب) استعمال مشتق به لحاظ حال تلبس حقیقت است. استعمال لفظ در معنا به سه صورت متصور است: گاهی در معنایی است که در حال حاضر به آن متلبس است

Archive of SID

www.SID.ir

(که این استعمال حقیقت است)؛ گاهی در معنایی است که مشتق بعداً به آن متلبس می‌شود؛ و گاه در معنایی که تلبسش به آن منقضی شده است. استعمال لفظ در این دو مورد، به اتفاق نظر اصولیان مجاز است (همان)، بدین توضیح که اگر دین را در معنای دینی که به واسطهٔ عقد به وجود آمده است در نظر بگیریم، یعنی در معنایی استعمال کرده‌ایم که بعداً می‌خواهد بدان تلبس پیدا کند، وقتی مورد معامله قرار می‌گیرد دین نیست لیکن به واسطهٔ معامله دین قرار می‌گیرد و در این مورد از مشتق اصولیان اتفاق نظر دارند که در معنای مجاز است.

پس از روشن شدن مفهوم دین و منشأ اختلاف فقها در بحث بیع دین به دین که خود یکی از اقسام خرید دین است، می‌توان نظرات ایشان را در سه دیدگاه قابل طرح دانست:[1]

الف) دیدگاه کسانی که به دلایل بطلان بیع دین به دین اعتنایی نکرده و به جواز مطلق بیع دین به دین قائل شده و یا به کراهت آن نظر داده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰۰/۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۶۰/۲).

ب) دیدگاه دوم که البته فقهای بزرگی طرفدار آن هستند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۵/۲؛ عاملی، ۱۴۱۸: ۱۲۶/۳)، از اطلاق روایت نهایت استفاده را کرده و به بطلان مطلق بیع دین به دین قائل شده است؛ چه قبل از عقد، دین بر آن صادق باشد و چه بعد از عقد به صورت دین درآید.

ج) دیدگاه سوم همان دیدگاه مشهور در فقه امامیه است که بر اساس آن، نهی نبوی در مورد بیع دین به دین فقط موردی را در بر می‌گیرد که عوض خرید دین از ابتدا دین باشد نه اینکه به واسطهٔ اجل قراردادی در خرید دین، به صورت دین درآید (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۰/۴ـ۲۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۰۱/۲۰ـ۲۰۲).

۳. گروهی بین خرید دین توسط مدیون و خرید دین توسط غیر مدیون تفصیل قائل شده‌اند؛ بدین توضیح که اگر داین، دین مدت‌دار خود را به مدیون بفروشد این عمل

۱. برخی در کتب فقهی خویش به طور مفصل به ابواب فقهی پرداخته‌اند، ولی از بیع دین به دین با اینکه مسئلهٔ مشهوری است و حتی در کتب مختصر فقهی (*اللمعة الدمشقیه*) هم بدان پرداخته شده است، حرفی به میان نیاورده‌اند (مفید، ۱۴۱۳؛ صدوق، ۱۴۱۸).

Archive of SID
www.SID.ir

حقوقی صحیح است، اما اگر آن را به شخصی غیر از مدیون معامله کند این معامله محکوم به بطلان است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۳/۲ـ۵۵؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۴۷۶؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۱۷۶/۲؛ همو، ۱۴۲۶: ۶۰۵[۱]).

در مقابل، اکثریت قریب به اتفاق فقها خرید دین به غیر مدیون را مثل دیگر اقسام خرید دین، محکوم به صحت می‌دانند (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲/۵؛ حسینی عمیدی، ۱۴۱۶: ۴۸۱/۱) و برای نظر خویش به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

۱ـ عموم ادله، مانند ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ شامل خرید دین به مدیون و غیر آن می‌شود و استثنای غیر مدیون نیاز به دلیل دارد که این دلیل در دست نیست (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲/۵).

۲ـ برخی شهرت این نظر را نزدیک به اجماع دانسته، اذعان می‌دارند که در خرید دین به غیر مدیون، مقتضی موجود و مانع مفقود و هیچ دلیلی بر بطلان آن نداریم (حسینی عمیدی، ۱۴۱۶: ۴۸۱/۱).

در بین کسانی که خرید دین به غیر مدیون را هم جایز می‌دانند، برخی مدیون را به پرداخت مبلغی بیش از آنچه که شخص ثالث پرداخته است، ملزم نمی‌دانند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۶/۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا: ۱۷۷/۲) و معتقدند که خریدار دین که همان داین جدید است نمی‌تواند اصل دین را بگیرد، بلکه همان مبلغی را که به داین قبلی داده است بازپس می‌گیرد. البته می‌توان گفت که ایشان در اقلیت محض قرار گرفته‌اند به‌طوری که می‌توان تعداد آن‌ها را انگشت‌شمار دانست.

در مقابل مشهور معتقدند که اگر خرید دین به مبلغ کمتر به غیر مدیون صحیح باشد، خریدار دین (داین جدید) طلبکار تمام دین از مدیون می‌شود و مستحق دریافت آن است. به طور کلی، ایشان اثر حقوقی کاملی برای این عمل حقوقی می‌شناسند و آن هم مالک شدن خریدار دین در مافی‌الذمهٔ مدیون به اندازهٔ دین اصلی است (اسدی حلی، ۱۴۰۷: ۴۸۶/۲؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۱۸/۵).

۱. مسئلهٔ ۲۷۰۱. سفتهٔ حقیقی را اگر کسی از بدهکار بگیرد که با دیگری به مبلغی کمتر معامله کند، حرام و باطل است. اگر خودِ طلبکار سفته‌ای را که از بدهکار گرفته به مبلغی کمتر به فرد سومی بفروشد، بلااشکال است.

Archive of SID

www.SID.ir

۴. گروهی بین دین مؤجل و دین حالّ قائل به تفکیک هستند؛ بدین توضیح که خرید دین بعد از حلول آن را صحیح، لیکن خرید دین قبل از حلول آن را باطل و بلااثر می‌دانند (سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۱۴۶/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۰۶/۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۲/۲؛ هذلی حلی، ۱۴۰۵: ۲۵۱).

البته امروزه اغلب موارد خرید دین، قبل از موعد اتفاق می‌افتد. به هر حال بین فقها در مورد حکم خرید دین بعد از حلول اختلافی وجود ندارد، مگر کسانی که اساساً بیع دین را قبول ندارند. ولی در مورد خرید دین قبل از حلول آن اختلاف‌نظر وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در دو دیدگاه احصا کرد:

الف) دیدگاه کسانی که خرید دین قبل از حلول را جایز نمی‌دانند و معتقدند که دینی را می‌توان مورد معامله قرار داد که حال باشد و به دلایل ذیل استناد می‌کنند:

۱ـ اجماع (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۸/۲).

۲ـ عدم استحقاق داین قبل از حلول و در نتیجه عدم قابلیت انتقال آن؛ یعنی وقتی داین خود نمی‌تواند چیزی را مطالبه کند چطور می‌تواند به دیگری انتقال دهد، پس لاجرم باید تا موعد دین و استحقاق مطالبهٔ خویش صبر کند و اگر خواست مطالبه نماید و یا انتقال دهد، ولی قبل از موعد نمی‌تواند آن را مورد معامله قرار دهد.

ب) دیدگاه کسانی که تفاوتی بین خرید دین بعد از حلول و قبل از حلول قائل نیستند و هر دو را حمل بر صحت می‌نمایند و این قول مشهور است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹۸/۹؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۰/۴؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۳۹/۵) و دلایل ایشان به قرار ذیل است:

۱ـ عمومات ادلهٔ صحت و وفای به عقود. با توجه به عدم دلیل خاصی که بتواند با این ادله و عمومات آن معارضه کند، باید به صحت چنین عقدی حکم کرد. همچنین با الغای خصوصیت از عقد خرید دین در دیگر موارد می‌توان حکم عام خرید دین را بر خرید دین قبل از حلول هم بار کرد.

۲ـ مخدوش بودن اجماعی که مخالفان به آن استناد نموده‌اند؛ چرا که نظر اکثریت غیر از چیزی بوده است که ایشان بدان استناد نموده‌اند و باید اذعان داشت که این اجماع قابلیت استناد در این مقام را ندارد.

Archive of SID

www.SID.ir

۳ـ مخدوش بودن عدم استحقاق مطالبهٔ دین توسط داین (قبل از موعد) و در نتیجه عدم امکان انتقال آن به دیگری؛ با این توضیح که اصل دین استقرار پیدا کرده است و ملکیت برای داین نسبت به ذمهٔ بدهکار حاصل شده است و عدم استحقاق مطالبهٔ داین در یک مدت خاص نمی‌تواند مانع انتقال آن به دیگری شود. مثالی که برای تأیید آورده‌اند دربارهٔ مهریه است؛ می‌دانیم که تمام مهریه به مجرد عقد نکاح به ملکیت زن درمی‌آید، ولی نصف آن مستقر نمی‌شود مگر با نزدیکی. ولی شکی نیست که می‌توان آن را انتقال داد؛ چرا که مالکیت آن حاصل شده است.

پس در نتیجه با توجه به دلایل و استنادات هر گروه می‌توان با توجه به عمومات ادله به صحت خرید دین قبل از اجل پی برد.

نکتهٔ قابل توجه اینکه خریدار دین (داین جدید) فقط در موعد (حلول دین) می‌تواند به مدیون رجوع کند و نباید پنداشت که با صحت عقد خرید دین، موعد و اجل دین هم از بین می‌رود.

۵. گروهی دیگر بین خرید دین به میزان دین یا به کمتر از آن، قائل به تفصیل شده‌اند؛ با این توضیح که خرید دین به میزان کمتر از دین را باطل و یا دست‌کم واجد اثر حقوقی نمی‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۰/۲). متعاملین گاهی دین را به میزان همان دین و گاهی به کمتر از آن معامله می‌کنند. در مورد خرید دین به مبلغ کمتر دو موضوع مطرح است:

الف) اثر حقوقی[۱] خرید دین به مبلغ کمتر (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۳۷۱/۵).

ب) حکم فقهی خرید دین به مبلغ کمتر: کسانی که اصل خرید دین را فاقد اشکال می‌دانند در این مورد هم نظریهٔ صحت را پذیرفته‌اند (همان؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۵۳۶/۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۹/۲۰).

اما با توجه به قواعد ربای معاملی، با تحقق موارد ذیل خرید دین به مبلغ کمتر می‌تواند مشمول معاملهٔ ربوی باشد:

۱ـ همجنس بودن عوض و معوض (دین و عوض دین) در خرید دین.

۱. این اثر، همان الزام مدیون به پرداخت کل دین جدای از مبلغ خرید آن بود.

Archive of SID

www.SID.ir

۲ـ مکیل و موزون بودن دین.

با این توضیح که اگر عقد خرید دینی صورت بگیرد و دینی که در آن مورد معامله قرار می‌گیرد با عوضی که در مقابل دین معامله می‌شود همجنس باشد و نیز جنس عوض و معوضِ مورد معامله از اجناسی باشد که تعیین و اندازه‌گیری آن به صورت کیل و وزن صورت می‌گیرد، این خرید دین ربوی است.

البته تردید در ربوی بودن این عقد ضعیف به نظر می‌رسد؛ چرا که علاوه بر روایت وارده[1] مبنی بر صحت این عقد، می‌توان به برخی از مبانی تحریم ربا و عدم جریان آن‌ها در این مسئله اشاره کرد:

۱ـ ربا «اکل مال به باطل» است و بنابراین حرام است. معنای اکل مال به باطل این است که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی، درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل مال به باطل، درآمد بی‌جهت و بادآورده است (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۱۲۳؛ مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۹).

۲ـ ربا بازدارندهٔ مردم از تلاش‌های اقتصادی است و سبب می‌شود که مردم از تجارت‌ها و معامله‌های مفید و سودمند، اما پرزحمت و حلال رویگردان شوند و جذب این معاملهٔ فاسد و پردرآمد و کم‌زحمت و حرام گردند (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۲۳).

۳ـ ربا مصداق بارز ظلم است و قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...لَاتَظْلِمُونَ وَلَاتُظْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۹)؛ نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید. یعنی اگر ربا بگیرید ظلم کرده‌اید پس با ربا گرفتن ظلم نکنید و اگر سرمایهٔ اصلی شما را به شما بازنگردانند به شما ظلم شده است، به همین جهت باید سرمایهٔ اولیه به شما برگردد تا مورد ظلم قرار نگیرید.

با ملاحظهٔ این مبانی و تطبیق آن بر مسئلهٔ خرید دین به مبلغ کمتر، نکات ذیل که بیانگر تأیید روایت و عدم جریان ربای واقعی در این معامله است، به دست می‌آید:

۱ـ خرید دین نه تنها مصداق بارز اکل مال به باطل نیست، بلکه دقیقاً از مواردی است که طرفین معامله بر اساس منطق معاملاتی دارای سود و منفعتی می‌شوند؛ زیرا

---

۱. روایتی از امام موسی کاظم علیه‌السلام با این مضمون وارد شده است: «از محمد بن فضیل از ابوحمزه که گفت: از امام موسی کاظم دربارهٔ مردی پرسیدم که دینی بر دیگری دارد و آن را به سومی می‌فروشد. سپس او به مدیون مراجعه می‌کند و می‌گوید که بدهی او را به من بده. در این مورد چگونه حکم می‌کنید؟ حضرت فرمود: همان اندازه‌ای که دین بوده است، به او پرداخت می‌شود».

Archive of SID

www.SID.ir

مالی را که طلبکار قرار بود در موعد و اجل دیگری به دست بیاورد، زودتر از آن موعد به طلب خویش می‌رسد.

۲ـ نه تنها باعث رکود اقتصاد و فعالیت تجارتی نیست، بلکه در چرخهٔ اقتصادْ لازم و حتی باعث پیشرفت تجارتی است؛ برای مثال، تاجری طلبی از دیگری دارد که موعد آن سه ماه دیگر است. این تاجر نیاز شدیدی به خرید مواد اولیه برای کارخانهٔ خویش دارد. با استفاده از همین خرید دین، چک و سفته‌ها را به تاجر دیگری به مبلغ کمتر می‌فروشد و نیاز اقتصادی خویش را برآورده می‌کند.

۳ـ مصداق بارز ظلم نیست؛ چرا که امروزه در فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، آنچه اهمیت بالایی دارد، زمان است. کسی که سودی از این معامله به دست می‌آورد عنصر مهم زمان را از دست می‌دهد که بین تجار منفعت کمی نیست.[۱]

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان به عنوان یک نظر مشهور که طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جزء منابع حقوقی به شمار می‌رود، صحت خرید دین را در فقه امامیه پذیرفت، همان طور که بزرگانی از فقهای معاصر بدان ملتزم شده‌اند (ر.ک: همین مقاله).

۲ـ۲. وضعیت حقوقی خرید دین

در اواخر سال ۱۳۸۹ پس از طرح موضوع در شورای فقهی و تشریح آن در نظام حقوقی بانکی، پیشنهاد اضافه شدن سه عقد (خرید دین، استصناع، مرابحه) به برنامهٔ پنجم توسعه توسط بانک مرکزی مطرح گردید و با مساعدت نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مادهٔ ۹۸ قانون برنامهٔ پنجم توسعه گنجانده شد. سپس هیئت وزیران به استناد مادهٔ ۹۸ در جلسهٔ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲، بخشنامهٔ آن را برای الحاق به قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب نمود. دستورالعمل اجرایی آن نیز در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ توسط شورای محترم پول و اعتبار به تصویب رسید.

سرانجام می‌توان گفت که قانون‌گذار عقد خرید دین را به عنوان یک عقد صحیح پذیرفته که البته برای تفسیر موارد مبهم آن باید از متون فقهی و دستورالعمل‌های مصوب استفاده کرد.

---

۱. «للأجل قسط من الثمن».

Archive of SID

www.SID.ir

۳. کاربرد خرید دین در عملیات بانکی

درست است که فقه اسلامی به طور قاطع با ربا مبارزه نموده و آن را به صورت کامل و در هر شکلی تحریم نموده است، اما اینکه به همین برخورد منفی اکتفا گردد، نظری نسنجیده و غیر علمی است. تحریم معاملات مبتنی بر ربا، گرچه از اصول ثابت نظام اقتصادی اسلامی است، به هیچ وجه توصیفی کامل و کافی از کل این نظام به دست نمی‌دهد. بنابراین تلاش در جهت ارائهٔ راه‌ها و روش‌های علمیِ جایگزین، که اساس یک تعامل مثبت را شکل می‌دهد، مدّنظر اندیشمندان و اقتصاددانان مسلمان قرار گرفته است و از آنجا که حذف ربا نخستین گام در اسلامی کردن اقتصاد در کشورهای مسلمان بوده، نهاد بانکداری بدون ربا بیشترین توجه را به خود معطوف کرده است.

حقوق بانکی دربردارندهٔ قواعدی برای تنظیم روابط بین مشتریان و بانک است که البته تمامی این روابط در قالب قرارداد نمود پیدا می‌کند و معاملات و قراردادهای منعقده اغلب در دو شکلِ تجهیز و تخصیص منابع شکل می‌گیرد (السان، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

یکی از عقود اسلامی که می‌توان بسیاری از عملیات بانکی (اعم از قراردادهای تجهیز و تخصیص منابع) را در قالب آن به صورت کاملاً شرعی و قانونی بدون هیچ‌گونه ربا و بهره و جهت نامشروع مطرح ساخت، همین عقد خرید دین است.

۳ـ۱. کاربرد خرید دین در قراردادهای تجهیز منابع

مقصود از قراردادهای تجهیز منابع پولی، آن دسته از قراردادهایی است که بین بانک و مشتریان برای سپرده‌گذاری منعقد می‌شود. شیوهٔ معمول آن است که مشتری به یکی از شعب بانک مراجعه و بر حسب نیاز فعلی یا آتی خود اقدام به افتتاح حساب می‌نماید (همان: ۱۰۸). با اعمال این نوع از عملیات بانکی در قالب خرید دین می‌توان شبهات موجود دربارهٔ سود و بهره و... را توجیه نمود.

۳ـ۱ـ۱. سپرده‌های بانکی

امروزه سپرده‌های بانکی مشتریان در قالب عقود اسلامی مثل مضاربه و قرض و... توجیح می‌شود. اما هر کدام از این عقود مسائل و شبهاتی را به وجود آورده که مورد

Archive of SID

www.SID.ir

انتقاد واقع شده است. به نظر می‌رسد بهترین شیوه برای توجیه این قراردادها، عقد خرید دین است.

در این نوع از معاملات بانکی، مشتری به دنبال اخذ مقدار معینی از سود است و برایش قابل پذیرش نیست که ممکن است بانک هیچ سودی به وی نپردازد، کمااینکه عامل در عقد مضاربه ممکن است هیچ سودی به دست نیاورد. از طرفی عامل در عقد مضاربه، اگر با چندین نفر به طور همزمان عقد مضاربه منعقد کند، نمی‌تواند با پول همهٔ آن‌ها مجموعاً معامله کند و سود و زیان را میان همهٔ آن‌ها تقسیم کند، هرچند عقد به صورت مطلق منعقد شده باشد؛ چون برای ایجاد یک شرکت مدنی، رضایت صاحبان اموال لازم است؛

به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای اخذ سپرده‌های بانکی، عقد خرید دین است؛ بدین توضیح که سپرده‌گذار مبلغ معینی را بر اساس قرض موضوع مادهٔ ۶۴۸ قانون مدنی به بانک قرض می‌دهد و طبیعتاً بانک هم به واسطهٔ این قرض، مدیون سپرده‌گذار می‌شود که وفق مقررات، عقد قرضِ این دین حالّ می‌باشد. بانک این دین حالّ را از سپرده‌گذار به قیمت بیشتر، ولی به صورت مؤجل (یا اقساطی) می‌خرد که قیمت بیشتر باید در اقساط معین یا موعد دلخواه داین به وی پرداخت شود؛ برای مثال، بانک مبلغ ۲۰ میلیون تومان از شخص قرض می‌گیرد و موعد آن هم حالّ می‌باشد؛ در قالب عقد خرید دین، شخص داینْ دین (۲۰ میلیون) حالّ خویش را به ثمن مؤجل (یا اقساطی) (۲۲ میلیون) به خود مدیون (بانک) به مبلغ بیشتر می‌فروشد که مدیون (بانک) دین را در موعد مقرر (یا اقساط) به شخص بپردازد.

در این مسئله دو اشکال مطرح می‌شود:

۱ـ خرید دین در مورد دین مدت‌دار به صورت نقدی است، آیا فروش دین حالّ به صورت مدت‌دار هم مشمول خرید دین می‌شود؟

در پاسخ باید گفت که خرید دین در فتاوا و احکام به صورت مطلق وارد شده است و خرید دین مدت‌دار و یا حالّ خصوصیتی در بحث مذکور ندارد، مگر اینکه آن را بیع دین به دین بدانیم که البته آن هم اختلافی است و همان طور که اکثر فقها بین دو حالت تفکیک قائل شده‌اند و ثمنی را که به واسطهٔ خود عقد به دین تبدیل می‌شود نه

Archive of SID

www.SID.ir

اینکه قبلاً دین بوده باشد، محکوم به صحت دانسته‌اند، در خصوص مورد حاضر هم همین طور است و ثمن مؤجل دینی است که به واسطهٔ عقد به دین تبدیل شده است، نه اینکه از اول دین بوده باشد.

۲ـ آیا خود این روش یکی از راه‌های فرار از ربا نیست که برخی از فقها با آن مخالف‌اند؟

ربا از بزرگ‌ترین محرمات در دین اسلام است و این امر با وجود راه‌های شرعی جهت حیله و فرار از آن منافات ندارد، همانند زنا که (با عظمت حرمت و گناه آن) با ازدواج در بسیاری از انواعش تفاوتی به جز خواندن صیغه با شرایطش ندارد (هرچند به صورت انقطاعی و موقت باشد)، ولی به یکی اعمالی که اتفاقاً خیلی سفارش شده است، تبدیل می‌شود (بهجت، ۱۴۲۸: ۲۷۶/۳).

۳ـ۱ـ۲. کارت‌های بانکی

امروزه استفاده از کارت‌های بانکی بسیار معمول شده است، به طوری که بیش از نیمی از عملیات بانکی با آن‌ها انجام می‌شود. ما در این مبحث به طور خلاصه، کارت‌های بانکی را بر مبنای خرید دین بررسی می کنیم.

کارت اعتباری، کارتی است که یک بانک یا نهاد پولی یا اعتباری صادر می کند و به دارندهٔ آن امکان می‌دهد که کالا یا خدمتی را بدون پرداخت وجه نقد و صرفاً با ارائهٔ کارت بخرد. سپس بهای آن را طی زمانی مشخص به صادرکنندهٔ کارت بپردازد که البته وجهی را قبل از انعقاد قرار داد، در اختیار بانک قرار می‌دهد (موسویان، ۱۳۸۳: ش۴۶/۱۳).

بانک صادرکنندهٔ کارت اعتباری، با مراکز تجاری و خدماتی پذیرندهٔ کارت قرارداد می‌بندد که هر چه دارندگان کارت به صورت نسیهٔ مدّت‌دار (برای مثال ۶ ماهه) بخرند، بانک با نرخ تنزیل معینی (برای مثال ۱۰ درصد) بدهی آنان را به مبلغ کمتر خریداری نماید و وجه آن را نقد بپردازد. همین طور بانک با دارندگان کارت قرار می‌گذارد که آنان بتوانند با استفاده از کارت اعتباری و تسهیلات خرید دین بانک، کالاها و خدمات مورد نیاز را به صورت نسیهٔ مدّت‌دار از فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی

Archive of SID
www.SID.ir

بخرند و بعد از خرید، بدهی خود را در فرصت تنفس و یا به صورت قسطی بپردازند و کل مبلغ اسمی بدهی را تسویه کنند؛ برای مثال، زمانی که دارندهٔ کارت، کالایی را به قیمت ۱۱ میلیون (۱۰ میلیون قیمت نقد به اضافه ۱ میلیون ریال نرخ نسیه) به صورت نسیهٔ ۶ ماهه می‌خرد، با قرار دادن کارت اعتباری در دستگاه مربوط، بانکْ بدهی دارندهٔ کارت را از فروشنده، خریده (تنزیل کرده)، مبلغ ۱۰ میلیون ریال به صورت نقد به حساب فروشگاه واریز می‌کند. این قالب فقهی به لحاظ ذیل حائز اهمیت است:

اولاً: از جهت نحوهٔ تسویه‌حساب از ناحیهٔ دارندهٔ کارت انعطاف کامل دارد و به وی امکان می‌دهد که کلّ بدهی را در فرصت تنفس تسویه کند یا به اقساط تا سررسید مقرر بپردازد یا در سررسید یک‌جا تسویه کند و در هر صورت، متناسب با مدت و مبلغ از تخفیف بهره‌مند شود.

ثانیاً: از جهت اقتصادی به طور کامل قابل توجیه است. ابتدا کالایی به صورت مدت‌دار با نرخ بالایی فروخته و سپس بدهی مدت‌دار به وسیلهٔ بانک تنزیل می‌شود و نرخ نسیهٔ معاملهٔ اول، خود را در قالب نرخ تنزیل معاملهٔ دوم نشان می‌دهد و بانک از فروشنده، کارمزد فروش غیر متعارفی را مطالبه نمی‌کند.

ثالثاً: تمام مراحل معامله از جهت فقهی و قانون عملیات بانکی بدون ربا بالاخص از لحاظ خرید دین قابل تطبیق است.

۳ـ۲. کاربرد خرید دین در قراردادهای تخصیص منابع

بعد از انعقاد قراردادهای تجهیز منابع و گردآوری سرمایه، بانک آن را در اختیار گیرندگان تسهیلات قرار داده تا در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. شیوهٔ معمول آن است که مشتری به یکی از شعب بانک مراجعه و بر حسب نیاز فعلی یا آتی خود اقدام به اخذ اعتبار می‌نماید که به آن قراردادهای تخصیص منابع گفته می‌شود (السان، ۱۳۹۱: ۱۱۶). با اعمال این نوع از عملیات بانکی در قالب خرید دین می‌توان شبهات موجود دربارهٔ سود و بهره و... را توجیه نمود.

۳ـ۲ـ۱. قراردادهای اعتباری

ارائهٔ اعتبار یکی از تسهیلاتی است که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به مشتریان خود

Archive of SID

www.SID.ir

عرضه می‌دارند و می‌توان از انواع آن به فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، بیع با شرط حفظ مالکیت و... اشاره کرد که البته با مشکلاتی مواجه است.

در این نوع از قراردادها، ابتدا به ساکن قرارداد بیعی بین بانک و فروشنده صورت می‌گیرد و سپس قرارداد ثانویه‌ای بین متقاضی اعتبار و مؤسسات اعتباردهنده بر اساس همان قرارداد اولیه منعقد می‌شود (قدک، ۱۳۷۶: ۲۱ـ۱۰۹/۲۲). امروزه این عمل حقوقی به وسیله‌ای برای سوءاستفادهٔ اشخاص تبدیل شده است؛ بدین نحو که شخص نیازمند به پول، به فروشندگان پیشنهادی از سوی مؤسسات اعتباردهنده مراجعه کرده و با پرداخت مبلغی، فاکتور و قرارداد بیع صوری را که نشان‌دهندهٔ خرید وسایل و... است، اخذ می‌کند و سپس با مراجعه به مؤسسات اعتباری مبادرت به اخذ اعتبار که همان وام است می‌نماید. ولی ماهیت واقعی این کار، قراردادهای اعتباری نیست، بلکه همان قرض موضوع قانون مدنی است، با این تفاوت که با ربوی شدن، هم قرض و هم سود آن حرام و باطل است.

قرارداد اولیه‌ای که بین فروشندهٔ کالا و خریدار مؤسسهٔ اعتباردهنده منعقد می‌شود کاملاً صوری است و به تبع آن، قرارداد دومی که برای ارائهٔ اعتبار مبتنی بر قرارداد بیع بین خریدار (متقاضی اعتبار) و مؤسسهٔ اعتباردهنده منعقد شده است، باطل می‌شود. با توجه به بطلان معاملات بیع و ارائهٔ اعتبار، این عمل حقوقی صرفاً نوعی قرض با سود مشخص است که در ربوی بودن آن شکی نیست.

قالب عقد خرید دین می‌تواند قالب خوبی برای قراردادهای اعتباری باشد، لیکن باید عناوین طرفین قرارداد را تغییر دهیم؛ بدین توضیح که شخص متقاضیِ اعتبار، کالایی را به صورت نسیه از فروشندهٔ کالا خریداری می‌کند و دینی به نفع فروشنده بر ذمهٔ خریدار حاصل می‌شود. با استفاده از قواعد و مقررات عقد خرید دین، فروشنده که همان داین است، دین خویش را به صورت نقدی و به مبلغ کمتر به مؤسسهٔ ارائه‌دهندهٔ اعتبار می‌فروشد. در نتیجه مؤسسهٔ ارائه‌دهندهٔ اعتبار، از خریدار مدیونْ طلبکار شده، می‌تواند در مواعد، اقساط را دریافت کند.

مزیت این راه حل آن است که معامله و ارائهٔ اعتبار هیچ وقت به طور صوری منعقد نمی‌شود؛ چرا که اعتبار به جای تحویل به متقاضی، به فروشندهٔ کالا تحویل می‌شود و

Archive of SID
www.SID.ir

بانک یا مؤسسهٔ ارائه‌دهندهٔ اعتبار در صورت اطمینان از قرارداد واقعی و اسناد معتبر در اختیار فروشنده، اعتبار را تحویل می‌دهد و همچنین فروشنده هیچ‌گاه خودش را بدون وجود عقد واقعی و اسناد معتبر در مقابل بانک و مؤسسهٔ ارائهٔ اعتبار قرار نمی‌دهد.

۳ـ۲ـ۲. وام‌های بانکی

منظور از وام‌های بانکی وجوه نقدی است که بانک‌ها بعد از اعمال شرایطی که مختص هر بانکی است در قالب یکی از عقود اسلامی به مشتریان خود می‌پردازند. این‌گونه اعمال را در قالب عقود اسلامی بالاخص مضاربه و مشارکت مدنی توجیه می‌کنند ولی از دو جهت می‌شود بر آن‌ها اشکال کرد:

۱ـ بانک در اعطای وام‌های بانکی به دنبال گرفتن سود است و این نکته را که ممکن است وام‌گیرنده ضرر کند، نمی‌پذیرد.

۲ـ عامل در عقد مضاربه، اگر با چندین نفر به طور همزمان عقد مضاربه منعقد کند، نمی‌تواند با پول همهٔ آن‌ها مجموعاً معامله کند و سود و زیان را میان همهٔ آن‌ها تقسیم کند، هرچند عقد به صورت مطلق منعقد شده باشد؛ چون برای ایجاد یک شرکت مدنی، رضایت صاحبان اموال شرط است.

با توجه به مباحثی که مطرح شد، به نظر می‌رسد بهترین راه حل برای ارائهٔ وام‌های بانکی عقد خرید دین است؛ بدین توضیح که بانک مبلغ معینی را بر اساس قرض موضوع مادهٔ ۶۴۸ قانون مدنی[۱] به شخصی قرض می‌دهد و طبیعتاً او هم به واسطهٔ این قرض، مدیون بانک می‌شود. حال بانک این دین را به خود مدیون به قیمت بیشتر، ولی به صورت مدت‌دار و اقساط می‌فروشد؛ برای مثال، شخص الف مبلغ ۲۰ میلیون تومان از بانک قرض می‌گیرد و موعد آن هم حالّ می‌باشد. در قالب خرید دین، بانک که داین است دین حالّ خویش را به ثمن مؤجل به خود مدیون به مبلغ بیشتر می‌فروشد که مدیون دین را در موعد مقرر و یا به طور اقساط بپردازد.

۱. «قرض، عقدی است که به موجب آن احد الطرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور، مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف، رد نماید و در صورت تعذر ردّ مثل، قیمت یوم الرد را بدهد».

Archive of SID

www.SID.ir

۳ـ۲ـ۳. تنزیل اعتبارات اسنادی

اعتبارات اسنادی امروز در عملیات بانکی جایگاه ویژه‌ای دارد که یکی از معاملاتی که بر روی آن انجام می‌شود، تنزیل آن است که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

اعتبارات اسنادی: «اعتبار اسنادی ابزاری است که به وسیلهٔ آن، یک بانک (بانک گشاینده یا صادرکننده) بر اساس درخواست خریدار (درخواست‌کننده) پرداخت وجه معینی را به فروشنده (ذی‌نفع) در قبال ارائهٔ اسنادی که نشانگر اجرای صحیح قرارداد فروش هستند، تعهد می‌کند. اعتبار اسنادی وسیله‌ای برای تضمین پرداخت است و نقش بانک نیز در این تضمین اهمیت فراوان دارد» (السان، ۱۳۹۱: ۱۷۷). اعتبار اسنادی به منظور حل و فصل تعارض‌ها و اختلاف منافع بین طرفین یک قرارداد خرید و فروش، تدوین و توسعه یافته است. هنگامی که خریدار و فروشنده در دو کشور مختلف اقامت دارند، فروشنده نمی‌خواهد کالاهای مورد معامله پیش از پرداخت بها در اختیار خریدار قرار گیرد و تحویل وی شود و خریدار نیز می‌خواهد پیش از تحویل کالاها، پرداختی را انجام ندهد، در این صورت از روش اعتبار اسنادی استفاده به عمل می‌آید و تعهدی از سوی بانک به خریدار و فروشنده داده می‌شود (همان: ۱۷۸). در این میان، پس از رعایت مقررات و اصول اصلی از سوی بانک تعهد می‌شود که مبلغ مورد تعهد خریدار به موقع و با رقم صحیح به دست فروشنده برسد. هر گاه که خریدار قادر به پرداخت مبلغ خرید نباشد، بانک موظف است باقی‌مانده یا تمام مبلغ خرید را بپردازد. اعتبارات اسنادی اغلب در معاملات بین‌المللی به منظور اطمینان از دریافت مبالغ پرداختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. گشایش اعتبار اسنادی از وظایف نظام بانکی است، در عین حال همانند سایر اعمال و فعالیت‌های نظام بانکی باید تحت نظارت و بر اساس مقررات تدوین‌شده توسط بانک مرکزی هر کشور انجام شود.

بنا بر مطالب پیش‌گفته، اعتبار اسنادی تعهد یک بانک برای پرداخت ثمن معامله است، مشروط بر اینکه فروشندهٔ کالا یا خدمات، اسناد مندرج در قراردادِ گشایش اعتبار را که مبین تحویل و ارسال کالا یا انجام خدمت می‌باشد، ظرف مهلت مقرر به بانک ارائه کند و وجه اعتبار، زمانی قابل پرداخت است که اسناد تحویل و حمل کالا و سایر اسنادی که در اعتبار ذکر شده است، مانند گواهی بازرسی کالا و غیره، کاملاً

Archive of SID
www.SID.ir

منطبق با شرایط ذکرشده در اعتبار باشد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۲۳۲ـ۲۳۳).

در اعتبارات اسنادی هنگامی که متقاضی گشایش اعتبار می‌نماید، بانک را به مبلغ و میزان اعتبار، مدیون خویش می‌کند. در نتیجه بانک به میزان مبلغ مورد گشایش مدیون متقاضی می‌شود و این دین به وجودآمده را باید در مدت مورد نظر، یا به خود متقاضی و اگر متقاضی خود ثمن معامله را نپرداخت به طرف دیگر پرداخت نماید. حال این دین مدت‌دار را دائن به مبلغ کمتر به مدیون (بانک) می‌فروشد و این دقیقاً همان تنزیل و خرید دین است. در جریان فساد بزرگ بانکی، ادارهٔ حقوقی بانک مرکزی در پاسخ به این سؤال بانک مذکور، نظر خود را مبنی بر جواز تنزیل این گونه اسناد بیان داشت و گفت: همان طور که می‌توان برات را نزد بانک تنزیل کرد، اعتبارات اسنادی را نیز می‌توان نزد بانک تنزیل نمود.

۳ـ۲ـ۴. تنزیل اسناد تجاری (forfaiting)[۱]

اگر یک سند تجاری به صورت وعده‌دار صادر شود، مانند اینکه هنگام صدور یک برات، تاریخ یک سال بعد بر روی آن درج شود، دارندهٔ برات می‌تواند قبل از سررسید به بانک یا شخص ثالث مراجعه کند و بانک با کم کردن درصدی از مبلغ مندرج بر روی سند تجاری، وجه برات را نقداً به دارندهٔ آن می‌پردازد و در تاریخ سررسید، تمام وجه مندرج بر روی برات را از محال‌علیه یا دیگر مسئولان برات اخذ می‌نماید که این دقیقاً همان تنزیل یا خرید دین پولی است و با پیشینهٔ قانونی که در نظام حقوقی ایران دارد یکی از راه‌های تخصیص منابع در نظام بانکی است (تاریخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار و بخشنامهٔ ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ بانک مرکزی).

در فقه و حقوق اقتصادی اسلام، بیع دین و تنزیل به یک معناست. وقتی که ما بیع دین را پذیرفتیم در واقع تنزیل را نیز پذیرفته‌ایم؛ زیرا بیع دین به معنای فروش دین مدت‌دار به مبلغ کمتر است. به عبارت روشن‌تر، بیع دین پولی عبارت است از تنزیل

۱. فورفایتینگ یا تنزیل اسناد تجاری به روشی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، اسناد تجاری مدت‌دار از قبیل، برات، سفته، ضمانت‌نامه و یا اعتبار اسنادی مدت‌دار، در مقابل دریافت نقدی نزد بانک یا مؤسسهٔ مالی و اعتباری تنزیل شده یا به قیمت نازل‌تری از قیمت اسمی آن به مؤسسهٔ مزبور فروخته می‌شود و در این وضعیت، فروشنده حق رجوع به طلبکار اولیه را از دست می‌دهد (بخشی، ۱۳۹۲: ۲).

Archive of SID
www.SID.ir

اسناد و اوراق تجاری که سررسید آن‌ها در آینده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۸۹۱/۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۶۰۵)؛ به این صورت که مثلاً دارندهٔ سفته با مراجعه به بانک قبل از سررسید، طلب خود را نقداً و با مبلغی کمتر دریافت می‌نماید. بانک‌ها بر اساس مصوبهٔ شورای پول و اعتبار برای اشخاص حقیقی یا حقوقی تا سقف معین خط اعتبار تعیین می‌کنند و شکل استفاده از آن چنین است که اشخاص مزبور، کالاهای مورد نیاز خود را خریداری و به جای پرداخت وجه نقد، سفته‌ای معادل قیمت خرید با سررسید معین به فروشندگان تحویل می‌دهند و فروشندگان کالا، سفته را به بانک محل اعتبارِ خریدار بُرده، تنزیل می‌کنند.

عملیات مربوط به خرید دین، بر مبنای آیین‌نامهٔ موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن که در جلسهٔ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و در شورای نگهبان نیز مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده بود و نیز اصلاحیهٔ آیین‌نامهٔ مذکور در شورای پول و اعتبار مصوب ۱۳۶۶/۹/۲۴ انجام می‌پذیرفت و امروز بر اساس دستورالعمل شورای پول و اعتبار مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵ صورت می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

خرید دین یکی از عقود اسلامی است که امروز در معاملات زیادی کاربرد دارد و از جملهٔ آن‌ها حقوق بانکی است. با مطالعهٔ این عمل حقوقی می‌توان فقهای شیعه را در بحث خرید دین به پنج گروه تقسیم کرد:

۱ـ گروهی از فقها خرید دین را به طور مطلق صحیح می‌دانند، بی‌آنکه قائل به تفصیل شوند.

۲ـ گروهی معتقدند که دین نباید عوض دین قرار گیرد، وگرنه خرید دین به دین شده و باطل است.

۳ـ گروهی خرید دین توسط غیر مدیون را صحیح و یا واجد اثر حقوقی نمی‌دانند.

۴ـ گروهی خرید دین بعد از حلول را صحیح، ولی خرید دین قبل از آن را باطل و بلااثر می‌دانند.

Archive of SID
www.SID.ir

۵ـ گروهی دیگر، خرید دین به میزان کمتر از دین را جایز و یا دست‌کم واجد اثر حقوقی نمی‌دانند.

همان طور که ملاحظه می‌شود، گروهی از فقها قائل به صحت خرید دین به صورت مطلق هستند که می‌توان از این نظریه برای تقنین در حیطهٔ بانکی استفاده کرد و این عقد اسلامی را در حقوق بانکی به صورت کامل اجرایی نمود و در عملیات بانکی (قراردادهای تجهیز و تخصیص منابع) از آن بهره جست.

قراردادهای اعتباری، کارت‌های اعتباری و بانکی، سپرده‌ها و وام‌های بانکی و تنزیل اعتبارات اسنادی و اوراق و اسناد تجاری از جملهٔ مواردی است که با وجود تمامی شبهات موجود، در قالب خرید دین قابلیت اجرا دارد.

در هر حال به نظر می‌رسد که می‌توان با توجه به مشروعیت مطلق خرید دین در نگاه برخی از فقها که بدان‌ها اشاره شد، عملیات بانکی بدون ربا را بر اساس این عقد اسلامی تنظیم، و تمام حالات آن را به صورت شرعی و قانونی در حقوق بانکی اجرا کرد.

Archive of SID

www.SID.ir

کتاب‌شناسی

۱. آل عصفور بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، ***الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهره***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق.

۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، ***السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی***، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، ***الوسیلة الی نیل الفضیله***، قم، کتابخانهٔ آیةالله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق.

۴. اسدی حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد بن فهد، ***المهذب البارع فی شرح المختصر النافع***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۵. السان، مصطفی، ***حقوق بانکی***، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.

۶. امامی، سیدحسن، ***حقوق مدنی***، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین، ***کتاب المکاسب***، قم، کنگرهٔ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۰ ق.

۸. بخشی، لطفعلی، ***جزوهٔ تأمین مالی***، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۲ ش.

۹. بردبار، نعمت‌الله، ***بررسی فقهی و حقوقی چهار قرارداد بانکی (مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، بیع دین)***، مؤسسهٔ آموزش عالی بانکداری، ۱۳۸۳ ش.

۱۰. بهجت فومنی، محمدتقی، ***استفتائات***، قم، دفتر حضرت آیةالله بهجت، ۱۴۲۸ ق.

۱۱. تبریزی، میرزا جواد بن علی، ***استفتائات جدید***، قم، بی‌تا.

۱۲. ثابت، عبدالحمید، «موضوع‌شناسی بیع دین»، ***مجلهٔ فقه اهل بیت علیهم‌السلام***، شمارهٔ ۳۱، پاییز ۱۳۸۱ ش.

۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ***تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه***، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی بن جواد، ***اجوبة الاستفتاءات*** (فارسی)، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۲۴ ق.

۱۵. حسینی سیستانی، سیدعلی، ***المسائل المنتخبة: العبادات و المعاملات***، چاپ نهم، قم، دفتر حضرت آیةالله سیستانی، ۱۴۲۲ ق.

۱۶. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد، ***مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.

۱۷. حسینی عمیدی، سیدعمیدالدین، ***کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.

۱۸. سلطانی، محمد، ***حقوق بانکی***، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.

۱۹. سیوری حلی، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، ***التنقیح الرائع لمختصر الشرائع***، قم، کتابخانهٔ آیةالله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۰. شبیری زنجانی، سیدموسی، ***رسالهٔ توضیح المسائل***، قم، سلسبیل، ۱۴۳۰ ق.

۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ***الهدایة فی الاصول و الفروع***، قم، مؤسسهٔ امام هادی علیه‌السلام، ۱۴۱۸ ق.

۲۲. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد، ***ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل***، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۸ ق.

۲۳. طوسی، محمد بن حسن، ***الخلاف***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.

Archive of SID

www.SID.ir

۲۴. عاملی، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه*، حاشیهٔ کلانتر، قم، کتاب‌فروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. عاملی کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، قم، مؤسسهٔ امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. همو، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. غروی نائینی، میرزا محمدحسین، *منیة الطالب فی حاشیة المکاسب*، تهران، المکتبة المحمدیه، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. فاضل آبی، زین‌الدین حسن بن ابی‌طالب یوسفی، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *رسالهٔ توضیح المسائل*، قم، بی‌نا، ۱۴۲۶ ق.
۳۲. فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن بن یوسف، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ش.
۳۳. فیاض، محمداسحاق، *رسالهٔ توضیح المسائل*، قم، مجلسی، ۱۴۲۶ ق.
۳۴. قدک، عبدالرسول، «وابستگی قراردادها در زمینهٔ اعتبارات مصرفی حقوق فرانسه»، *مجلهٔ تحقیقات حقوقی*، شماره‌های ۲۱ـ۲۲، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. قطّان حلی، شمس‌الدین محمد بن شجاع، *معالم الدین فی فقه آل یاسین*، قم، مؤسسهٔ امام صادق علیه‌السلام، ۱۴۲۴ ق.
۳۶. قنواتی، جلیل، حسن وحدتی و ابراهیم عبدی‌پور، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، زیر نظر سیدمصطفی محقق داماد، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، دورهٔ عقود معین (۱)*، چاپ ششم، تهران، انتشار، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. همو، *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، چاپ ششم، تهران، انتشار، ۱۳۸۳ ش.
۳۹. کاشانی، سیدمحمود، «نارسایی‌های حقوق بانکداری در ایران»، *مجلهٔ تحقیقات حقوقی*، شمارهٔ ۴۲، ۱۳۸۴ ش.
۴۰. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۴۱. محقق داماد، سیدمصطفی، *تحصیل مال از طریق نامشروع*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۴۲. مظفر، محمدرضا، *اصول فقه*، چاپ دهم، قم، دار الفکر، ۱۳۹۰ ش.
۴۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *المقنعه*، قم، کنگرهٔ جهانی هزارهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان الی احکام الایمان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، چاپ دوم، قم، مدرسهٔ امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۴۲۷ ق.
۴۶. همو، *بررسی طرق فرار از ربا*، قم، بی‌نا، بی‌تا.
۴۷. موسویان، سیدعباس، «کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا»، *مجلهٔ اقتصاد اسلامی*، سال چهارم، شمارهٔ ۱۳، ۱۳۸۳ ش.

Archive of SID
www.SID.ir

۴۸. موسوی بجنوردی، سیدحسن، *القواعد الفقهیه*، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۴۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *استفتائات*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ ق.
۵۰. همو، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
۵۱. موسوی خویی، *سیدابوالقاسم*، *منهاج الصالحین*، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینة العلم، ۱۴۱۰ ق.
۵۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۵۳. وحید خراسانی، حسین، *توضیح المسائل*، چاپ نهم، قم، مدرسهٔ امام باقر علیه‌السلام، ۱۴۲۸ ق.
۵۴. هذلی حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرائع*، قم، مؤسسة سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
55. Soufani, Khaled, "On the Determinants of Factoring as a Financing Choice: Evidence from the UK", ***Journal of Economic & Business***, Vol. 54, No. 2, 2002.
56. ***Unidroit Convention on International Factoring***, Ottawa, 28 may 1988.
57. VioricaZurcu, Adina, ***Financing through Factoring: Mechanisms, Costs and Risks***, Doctoral Thesis, UniversiteaBabaes-Bolyai, 2010.

Archive of SID
www.SID.ir